فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره نهم (زمستان ۱۴۰۰)

بررسی اصول و اهداف آموزش ضمن خدمت معلمان در ایران

(تاریخ ارسال ۱۴۰۰/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۲/۲۰)

دکتر شهلا رضایی
استاد دانشگاه فرهنگیان، شهید صدوقی، کرمانشاه
نیلوفر بهرام زاده
دانشجوی دانشگاه فرهنگیان، شهید صدوقی، کرمانشاه
ساینا بوچانی
دانشجودانشگاه فرهنگیان، شهید صدوقی، کرمانشاه

چکیــده

آموزش و پرورش، زیر بنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه است. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته نشان میدهد که همه این کشورها، آموزش و پرورش توانمند و کارآمدی داشته اند. همچنین در هر نظام آموزشی، عوامل بسیاری با یکدیگر عمل می کنند تا یادگیری و پیشرفت تحصیلی برای دانش آموزان حاصل گردد. هر قسمت از این نظام باید به گونه ای آماده شود که دسترسی به بازده مطلوب و اهداف موردنظر میسر شود، زیرا اگر جزئی از نظام از کار باز ایستد، کارآیی اجزای دیگر نظام کاهش یافته و صدمه خواهد دید. مقاله حاضر مطالعه ای تجربی است که با هدف تعیین آموزش ضمن خدمت معلمان در ایجاد یادگیری دانش آموزان دوره ابتدایی انجام شد. این مقاله به روش کلاسی -دانشگاهی به تبین اثرات آموزش ضمن خدمت معلمان بر آموزش و یادگیری به دانش آموزان از جمله تسهیل و بهبود شرایط پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، اصول و اهداف، ضمن خدمت، دانش آموز، معلمان

مقدمه

تلاش اغلب معلمان، به جای افزایش خلاقیت در یادگیری در دانش آموزان، اغلب صرف آرام ساختن و منضبط نگه داشتن کلاس می شود. هر کاری که تقریبا معلمان در کلاس انجام می دهند، از جمله نحوه ارائه اطلاعات، نوع تمرینهای مورد استفاده، شیوه تعامل با دانش آموزان و فرصت هایی که به دانش آموزان برای تمرین انفرادی یا گروهی، اثر خلاقیت فی بر روی دانش آموزان دارد. دانش آموزان بر اساس اینکه شما (چه کسی هستید، (چه کاری) انجام می دهید و با توجه به میزان آرامشی که در کلاس شما احساس می کنند و به شما واکنش نشان می دهند. با وجود این اثرات خلاقیت ی متعدد، معلمان ابزار کمی برای درک خلاقیت و نحوه افزایش آن در دانش آموزان خود دارند. آموزش ضمن خدمت از گذشته های دور تا به حال مورد توجه نظریه پردازان علم مدیریت بوده است چنانچه آموزش کارکنان به عنوان یکی از مهم ترین اصول مدیریت آموزشی در نظریه های کلاسیک و روابط انسانی مدیریت مطرح شده است. در نظریه ی سیستمی نیز آموزش کارکنان یکی از عناصر اصلی در اثربخشی سازمان محسوب می شود. همچنین در رویکردهای جدید مدیریت از جمله نظریه ی یادگیری سازمانی، مدیریت کیفیت فراگیر، مدیریت تعالی سازمانی و مدیریت توسعه منابع سازمانی به عنوان عامل اصلی رشد، توسعه و بالندگی سازمان شناخته شده است. در واقع نگرش رویکرد قدیم و جدید مدیریت به آموزش منابع انسانی سیر تطور نقش آموزش را از تمرکز بر تعلیم دانش و مهارت کارکنان تا کاربرد آموزش برای تولید و تسهیم دانش در سازمانها را نشان می دهد، بطور سنتی، آموزش بعنوان ابزاری برای تعلیم مهارتها و دانش مورد نیاز کارکنان جهت انجام بهینه وظایف خود تلقی می شد. منظور از خلاقیت شایستگی آن است که افراد بر انگیخته می شوند تا با محیط خود به طور موثر برخورد کنند، بر دنیای خود مسلط شوند و اطلاعات به طور موثر پردازش نمایند. مردم این کارها را از آن جهت انجام نمی دهند که نیازهای زیستی شان را ارضاء کلند، بلکه به این سبب به این کارها دست می زنند که برای تعامل موثر با محیط دارای خلاقیت درونی هستند. برای شناختگرایان خلاقیت درونی مهمتر از خلاقیت بیرونی

است. خلاقیت بیرونی از پاداش بیرونی سرچشمه می گیرد، در حالی که منشا پاداش در خلاقیت درونی در کاری که انجام می گیرد نهفته است. به سخن دیگر خلاقیت بیرونی خلاقیتی است که به وسیله عوامل خارج از فرد و خارج از کاری که انجام می گیرد بر انگیخته می شود، مانند پاداش و تنبیه، در حالی که خلاقیت درونی به کاری که انجام می گیرد وابسته است، مانند اشتیاق فرد برای انجام آن کار.

خلاقیت، از دیدگاه انسان گرایی به عنوان نیرویی فعال تلقی می شود، همه انسانها رشد می کنند و تحول می پابند. خلاقیت پرورش یک تمایل ومثبت از پیش موجود و فراهم کردن امکان رشد، توسعه، و یکپارچه کردن تجربه های تازه است. هر فردی دارای یک اصل نمو درونی است که همه رفتارهای انسان را هدایت می کند و به آنها نیرو می دهد. از نظر یک انسان گرا چیزی به عنوان یک یادگیرنده ی بدون خلاقیت وجود ندارد. تاکید انسان بر خود یا کل انسان از نظر خلاقیت است. این که عملکرد دانش آموزان در کلاس چگونه است، بستگی به این دارد که آنها خود را به عنوان انسان چگونه می بینند و از دیدگاه آنها مدرسه چگونه به رشد و نمو آنها به عنوان یک فرد کمک می کند. اگر کلاس حالت شخصی و معناداری داشته باشد، آنها انگیخته می شوند تا یاد بگیرند؛ اگردر غیر این صورت باشد، آنان خلاقیت ای برای یادگیری نخواهند داشت.

بخش اول: پیشینه تحقیق

جعفریان یسار (۱۳۸۲) در مطالعه ای نشان داد که آموزش های کوتاه مدت در بهره وری نیروی انسانی استان قم اثربخش بوده است، همچنین نتایج این پژوهش حاکی از آنست که بین متغیرهای جمعیت شناسی همچون سنوات خدمت، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، محل خدمت و اثربخشی و بهره وری دوره های کوتاه مدت ضمن خدمت رابطه وجود ندارد. علیپور (۱۳۸۴) ضمن پژوهشی اثربخشی و کارایی دوره های آموزش ضمن خدمت کارکنان نهضت سواد آموزی در سطح کشور را بررسی نمود. نتایج نشان داد به طور کلی کارایی کلی دوره های آموزش ضمن خدمت کارکنان نهضت سوادآموزی از منظر کارکنان و مدیران در

حد متوسط به بالا ارزیابی شد. همچنین اهداف، اصول و رهیافت های محتوا و روش و آموزشگر از بیشترین میزان کارایی برخوردار بودند. در حالی که کمترین کارایی از دیدگاه مدیران به تکنولوژی آموزشی؛ ساختار و تشکیلات و ارزشیابی و سنجش اختصاص داشته و از منظر کارکنان به تکنولوژی آموزشی فراگیر و ارزشیابی و سنجش مربوط بوده است. همچنین مدیران و کارکنان اثربخشی دوره ها را در حد متوسط به بالا ارزیابی نمودند درباره اولویت بندی ابعاداثربخشی دوره ها، مدیران معتقد بودند که شرکت کارکنان در دوره ها موجب افزایش کیفیت فعالیت، قابلیت و قدرت درک بهتر کارها و قابلیت اجتماعی آنان بوده است. اما مدیران کمترین میزان اثربخشی را مربوط به افزایش قابلیت خودمدیریتی و خود کنترلی توسط کارکنان در اثر دوره ها دانسته اند.

طرفی منتقدان طبقه بندی هدف های آموزشی بلوم چنین بیان داشتند که چرا که حرکتی صحیح نیست، روانی - تفکیک جنبه های شناختی از جنبه های عاطفی و پاره ای از هدف ها، چه در جنبه های مختلف شخصیت آدمی از یکدیگر جدا نیستند و میتوان به دشواری ادراکی دارند و حرکتی پایهٔ چه در زمینهٔ روانی - شناختی و زمینهٔ حرکتی عقلانی، عاطفی یا روانی - هدف هایی را که در این سه حوزه قرار دارند صرفاً تلقی کرد. همچنین این مراحل در طبقه بندی بلوم ترتیب منطقی یا روانشناختی ندارد و حرکتی، همچنین در مهارتهای روانی سرانجام اینکه در با ارزش تلقی کردن امور و عنصر عقلانی نقش اساسی ایفا می کند.

تعلیم و تربیت با شناخت و کشف استعدادها، علایق و نیازهای فرد و پرورش آنها و حرکت در راستای رشد همه جانبه، زمینه زیست موفق و کارآمد فرد را فراهم می آورد برنامه درسی در معنای گسترده خود، به همه تجارب یادگیری فراگیران چه در داخل و چه در خارج از مدرسه اشاره دارد. برنامه های درسی را می توان به عنوان اساس و خمیر مایه آموزش و پرورش تصور نمود. اگر این مقوله ساز و کار درستی نداشته باشد و برنامه ریزی و هدایتی معقولانه نشود، پیکره آموزش و پرورش اثربخشی خود را از دست خواهد داد. توجه بدین نکته ضروری است که با گسترش علم و فناوری و پیشرفت جوامع انسانی و تغییر و

تحولات منتج از آن، مسائل و نیازهای تازه ای به وجود می آید که نیاز به بررسی و پژوهش را ضروری می سازد. در تعریف برنامه ریزی درسی به عنوان یک قلمرو مطالعاتی؛ نظریه پردازان، این حوزه را قلمروی می دانند که مانند هر قلمرو علمی دیگر ابعاد، موضوعات، وسعت مفهومی با ساختار محتوایی خاصی دارد. در این رابطه بین نظریه پردازان مختلف اتفاق نظر وجود ندارد تا جایی که گولد معتقد است که در معنای قلمرو معرفتی از برنامه درسی درباره چیستی این قلمرو یعنی موضوع آن، دامنه موضوعی و مفهومی با ساختار محتوایی آن با مشکل مواجه هستیم، صاحب نظران مختلف حوزه هایی چون مبانی برنامه درسی، طراحی برنامه درسی، ساخت برنامه درسی، تدوین، اجرا، مهندسی اصلاح برنامه درسی و .... را به عنوان قلمروهای معرفتی حوزه برنامه ریزی درسی برشمرده اندد پژوهش دیگری توسط احمدی (۱۳۸۴) آموزشیاران و راهنمایان فارغ التحصیل از اجرای دوره کاردانی مدیریت، مدرسین، شیوه های تدریس، محتوای دروس) رضایت داشته اند. همچنین دوره موجب ارتقاء صلاحیت های حرفه ای و شایستگی های شرکت کنندگان دوره بوده است، از سوی دیگر سرپرستان از انجام وظایف شغلی این دو گروه در مقایسه با غیر فارغ التحصیلان رضایت داشته و عملکرد آنان را مطلوب ارزیابی نموده اند. خیرابی (۱۳۸۴) ضمن تحقیقی نتیجه گیری می کند که دوره های کارآموزی و بازآموزی موجب افزایش کارایی و اثربخشی عملکرد آموزشیاران نهضت سواد آموزی استان لرستان بوده اند. بررسی پژوهش های فوق حاکی از آنست که با وجود کاستی ها و ضعف ها، این دوره ها از کارایی و اثربخشی نسبتا مطلوبی برخوردار بودند. مطالعات گسترده ای در داخل و خارج از کشور در زمینه اثربخشی و کارایی آموزش ضمن خدمت کارکنان آموزش و پرورش انجام شده است برخی از این پژوهش ها بر این باورند که آموزش های ضمن خدمت بر اثربخشی و کارایی سازمانها تاثیر مستقیم دارند. ادارات و سازمان ها برای هرچه بهتر نمودن روند کاری خود به نیروی مستعد و توانمند نیاز دارند برای رسیدن به این مهم نیازمند به اجرایی نمودن اهداف سازمان از طریق آموزش های ضمن خدمت برای کارکنان می باشند.

پژوهشی توسط موسی پور (۱۳۸۷)، تحت عنوان برنامه ریزی درسی در ایران معاصر انجام شد. نتایج نشان داد برنامه ریزی درسی با مفاهیم متفاوتی از جمله به مثابه یک عمل، به مثابه یک نظام، به مثابه یک رشته، به مثابه یک دانش و به مثابه یک حرفه مطرح شده است. هر یک از این مفاهیم، نگاهی از یک منظر محسوب می شوند که محدود شدن به آن می تواند مغالطهای جدی را شکل دهد. در بستر تاریخی، این معانی به شکل متوالی متولد شده اند و این توالی نشانه ای از بلوغ انسانی محسوب می شود. از سوی دیگر، تعیین دقیق دوره معاصر در بررسیهای تاریخی با دشواری هایی مواجه است؛ هر چند در بررسی تعلیم و تربیت نوین ایران، تاسیس دارالفنون را می توان نقطه عطف به حساب آورد و از شکل گیری سلطنت قاجار تاکنون را دوره معاصر خواند. جستجو در این دوره زمانی نشان می دهد که آشنایی ایرانیان با اروپا زمینه توجه آنان به تعلیم و تربیت نوین و تاسیس مدارس جدید را پدید آورد که در آنها، برنامه و برنامه ریزی درسی نقش محوری ایفا می کرد. در همین ارتباط، گرایش دولت به نظارت بر نظام تربیتی و پذیرش مسئولیتدر این زمینه به همراه توجه به نقش آموزش و پرورش در شکل دهی به ارزش های اجتماعی، سبب شد تا در تنظیم سازمان آموزش و پرورش، نظام برنامه ریزی درسی نیز لحاظ شود.

هریس و هاس (۲۰۰۸) طی مطالعه ای نشان دادند، عملکرد تحصیلی دانش آموزان معلمانی که دوره های ضمن خدمت گذرانده اند نسبت به دانش آموزان معلمانی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، بهتر است. گاتام (۲۰۰۸)، در پژوهشی تحت عنوان آموزش ضمن خدمت معلمان، مسائل و تنگناهای این گونه آموزش ها را بررسی کرده اند و به این نتایج دست یافت که:

۱ -آموزشها با نیازهای واقعی معلمان مرتبط نیست

۲ -آموزش ها از نظر ساختاری خشک و انعطاف پذیر هستند.

۳ -آموزش‌ها با فرایند تدریس، مدیریت و کاربرد مهارت های زبانی در کلاس ارتباط ندارند.

در پژوهش دیگری توسط سولمان و همکاران (۲۰۱۱) اثربخشی تدریس معلمانی که دوره های ضمن خدمت را گذرانده بودند، از دیدگاه دانش آموزان بررسی شد. نتایج نشان داد که معلمان از دانش لازم مربوط به شیوه های تدریس نوین و مهارتهای حرفه ای برخوردار نبودند، ضمن آنکه از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش استفاده نمی کردند، باسترک (۲۰۱۲) ضمن پژوهشی ادراکات و انتظارات معلمان آموزش ابتدایی را در خصوص اثربخشی دوره های آموزش ضمن خدمت گذرانده شده بررسی نمود. نتایج نشان داد که از نظر معلمان دوره ها اثربخش بوده اند. همچنین معلمان مرد از نگرش بهتری برخوردار بودند.

پژوهشی توسط مهرمحمدی (۱۳۸۶)، تحت عنوان مدیریت هم زمان مدارج تمرکز زدایی در نظام برنامه ریزی درسی انجام شد. نتایج نشان داد مدیریت همزمان مدارج تمرکززدایی در نظام برنامه ریزی درسی (دکتر محمود مهر محمدی) نگاه "دوالیستی" یا صفر و یک به موضوعات و مسائل حوزه تعلیم و تربیت، که پیچیدگی های خاصی دارد، وافی به مقصود نیست. تاریخ اندیشه های تربیتی نیز از حقانیت این گزاره حکایت می کند. یکی از بحث های جدی در اکثر نظام های تعلیم و تربیت دنیا، مسئله تمرکز گرایی با تمرکز زدایی در نظام های برنامه ریزی درسی ایت که پیچیدگی مورد اشاره شامل حال این موضوع نیز می شود. متاسفانه اکثر پردازش های انجام گرفته با راه حل های ارائه شده در این زمینه، بر انگاره های دوالیستی متکی است و شاید به همین دلیل، در عمل راهگشای نظام های تعلیم و تربیت نبوده است. با الهام از این کاستی مزمن، تلاش شده است ابتداسطوح گوناگون آزادسازی تصمیم گیری درباره برنامه های درسی شناسایی و سپس مدیریت همزمان مدارج با سطوح تمرکززدایی، در حمک راه حل جایگزین، تبیین و تشریح شود. حاصل بحث، مدلی برای مدیریت نظام برنامه ریزی درسی است که با عنوان "مدل هسته ای" یا "مدل آشوبناک" از آن نام برده شده است. در پایان، مجموعه ای از بایدها و نبایدهای اجرایی ارائه شده که زمینه ساز تحقق این مدل است. برنامه ریزی درسی، فرایند انتقال و تبدیل تصورات، آمال و باورهای تربیتی در قالب برنامه هایی است که به طور مؤثر موجب تحقق تصورات مورد نظر از طریق انجام این فرایند میگردد. آنچه برای ما با ارزشمند است و به

دنبال آن هستیم اغلب با تناقضات زیادی همراه هستند "حتی درون محیط آموزشی و تحصیلی". برنامهریزی درسی در بافت تربیتی، فرایندی است که به دنبال تحقق ناگفتنیهای معینی است. یکی از گروه هایی که دائما در این فرآیند در گیرند، معلمان می باشند. معلمان به ناچار با طیف وسیعی از گزینه هایی که میتوانند در انتخاب، تاکید و زمان بندی رویدادهای برنامه درسی بکار گیرند، مواجه هستند. حتی زمانی که از آنها انتظار میرود از کتاب ها یا راهنماهای خاصی که در آنها فعالیتها و محتوا از قبل مشخص شده است، پیروی نمایند، باز هم آنان در مورد چگونگی استفاده از مواد درسی مذکور و نیز شیوه های مورد استفاده دارای قدرت تأثیر و تصمیم هستند. البته، این تصمیمات مربوط به برنامه درسی بوده و انواع، فرصت های یادگیری و تجربه کودکان را تحت تأثیر قرار می دهد. منابع انسانی کلید توسعه هر جامعه ای به شمار می آیند. هر اندازه برنامهریزی برای آموزش نظامدارتر باشد، بهره برداری از پتانسیل نیروی انسانی بهتر خواهد بود، بهرهبرداری درسی که تمهید و ابزاری برای تدوین نظامدار برنامه درسی است و به متخصصان نظام آموزش و پرورش در پرورش نیروی انسانی کارآمد کمک میکند. برنامه های درسی نظامدار آموزش و پرورش به دست اندر کاران کمک میکند تا بتوانند ضمن ارزشیابی و نظارت کافی به جریان اجرای برنامه های آموزشی، در حفظ، اصلاح و پرورش آن بکوشند.

بخش دوم: مواد و روش تحقیق

در تحقیق حاضر، طرح های تحقیق همبستگی و علی - مقایسه ای مورد استفاده قرار گرفته است، زیرا محقق از یک طرف به بررسی روابط بین متغیرها، و از طرف دیگر، به بررسی تفاوت بین خانواده های کم جمعیت و پرجمعیت، پس از اینکه به طور طبیعی تقسیم شده، پرداخته است. همچنین میتوان گفت که این پژوهش، به دلیل بهره گیری از سه ابزار مختلف (داده های عددی، نظر سنجی و مشاهده)، تحقیق کمی و کیفی یا در هم تنیده است. اگر چه رابطه علی (تأثیرو تأثر) بین متغیرها باید با طرح های تحقیق آزمایشی بررسی شود، لکن در صورتی که داده های به دست آمده از طرح های تحقیق علی - مقایسه ای با روش های پیشرفته آماری مانند رگرسیون و تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل

شوند - چنانچه در این تحقیق انجام شده - میتوانند تا حد زیادی بیانگر رابطه علی باشند. با توجه به هدف پژوهش حاضر، روش انجام تحقیق، توصیفی و از نوع همبستگی است.

نتیجه گیری

معلمان عنصر اصلی هرگونه تحول در نظام آموزش و پرورش به شمار می آیند. سرمایه گذاری برای آموزش معلمان به ویژه در دوره ابتدایی که زیربنای نظام آموزشی و از اساسی ترین و مهمترین دوره های تحصیلی است، از سودمندترین سرمایه گذاری ها محسوب میشود. این سرمایه گذاری موجب گسترش آموزش عمومی می شود و از نظر فردی و سازمانی نیز ثمربخش شمار می رود.

همچنین مهمترین عامل رشد و توسعه کیفی تعلیم و تربیت به است، واشیست (۲۰۰۲)؛ رشدی که با اختصاص دادن منابع انسانی، مالی و کالبدی از سوی دولت به آموزش ابتدایی از طریق اجرای دوره های ضمن خدمت معلمان امکانپذیر می شود.

به طور کلی توفیق و کامیابی هر نظام آموزشی و دستیابی به نتایج حاصل از تغییر نظام، بدون آموزش نیروی انسانی امکان پذیر نیست. بررسیهای انجام شده در زمینه دوره های ضمن خدمت معلمان نشانگر آن است که این آموزش ها موجب پایبندی بیشتر به قوانین سازمانی، چپمن و افزایش همکاری در مدرسه و بهبود عملکرد دانش آموزان می شود.

برخی از پژوهش ها دلایل شرکت معلمان در دوره های ضمنخدمت را رضایت، روحی پس از تدریس موفق، آموختن روشهای پژوهش به ویژه تاکید بر فناوری اطالعات و ارتباطات و افزایش رشد حرفه ای آنها بیان کرده اند. در دنیای امروز هیچ سازمانی را نمیتوان بینیاز از آموزش ضمن خدمت کارکنان خود دانست. از این رو یک درصد از اعتبارات جاری و عمرانی هر یک از دستگاه های دولتی بر اساس آیین نامه اجرایی ماده ۳۹۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسالمی ایران برای اجرای دوره های ضمن خدمت کارکنان اختصاص داده شده است. این امر بیانگر اهمیت آموزشهای ضمن خدمت در جامعه ایران است. به تبع این تصمیم آموزش و پرورش ایران با هدف افزایش کارآیی و

دانش و فناوری،رشد فضایل اثر بخشی معلمان،رشد توانمندی های ایشان متناسب با توسعه اخالقی، بهبود روابط انسانی، همه ساله هزینه های قابل توجهی را برای آموزش نیروی انسانی تحت پوشش خود تخصیص می دهد. اثربخش ترین زمان در برنامه ریزی درسی، وقتی است که نیازی" برای برآوردن وجود دارد. روشن است که هر برنامه ریزی برای رفع نیازی صورت میگیرد. نیازها صورتهای گوناگونی دارند. نیازهایی را که معلمان برای برآوردن آنها برنامه ریزی می کنند، نیازهایی هستند که باید بصورت روزانه برآورده شوند. به سخن ساده تر در قالب نیازهای مشخص، اهدافی در نظر گرفته میشود. همچنین در قالب کتابهای درسی اهدافی طرح شده است که دانش آموزان در هر جلسه با در طی چند جلسه به برخی از آنها دست می آیند و بدین ترتیب در پایان دوره درسی و پاره ای از این نیازها برآورده میشود. برنامه ریزی درسی شامل سازماندهی یک سلسله فعالیتهای یاددهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده و ارزیابی میزان تحقق این تغییرات است. بنابر این فرایند برنامه ریزی درسی شامل سازماندهی فعالیتها و ارزشیابی میباشد و هدف آن ایجاد تغییرات مطلوب و محور آن یادگیرنده است. با اینکه آموزش ضمن خدمت معلمان از اساسی ترین نیازهای آموزش و پرورش هر جامعه است و میتواند در صورت برنامه ریزی و اجرای صحیح، زمینه رشد و پیشرفت حرفه ای کارکنان و معلمان را فراهم نماید. اما متأسفانه نتایج تحقیقات انجام شده در داخل کشور ناکارآمدی که خسارات نشانگر وضعیت نامطلوب و ناکارآمد بودن این دوره ها است؛ جبران ناپذیری به پیکره نظام آموزش و پرورش وارد می کند، به ویژه در زمان حاضر که براساس سند برنامه درسی ملی یعنی نقشه جامع یادگیری، تحولات همه جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای برنامه های درسی و تربیتی دوره ابتدایی به منظور تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقیدانش آموزان در چهار عرصه خود، خدا، خلق و خلقت حاصل شده است. تغییراتی که اجرای مطلوب آنها بر اساس سند نیازمند معلمانی بهره مند از صلاحیت ها و شایستگی های حرفه ای صلاحیت هایی که باید تمهیدات آنها در مهندسی نیروی انسانی و در برنامه و تخصصی مناسب است؛ های آموزشی، جذب و توانمند سازی و بازآموزی معلمان در سطوح گوناگون در دانشگاه فرهنگیان و مراکز آموزشهای ضمن خدمت مورد توجه جدی قرار گیرد.

برنامه ریزی درسی یکی از راهبردهای فراشناختی است که شامل تعیین هدف برای یادگیری و مطالعه، پیش بینی زمان لازم برای مطالعه، تعیین سرعت مناسب مطالعه، تحلیل چگونگی برخورد با موضوع یادگیری و انتخاب راهبردهای یادگیری مفید است. پیشرفت تحصیلی به معنای محصول نهایی فرایند یادگیری فعال است که با کمک آموزش و فعالیتهای تربیتی انجام می گیرد.

پیشنهادات

زمینه ساز رشد مدرسان و معلمان، زمینه ساز بروز روحیه خلاقیت و نوآوری درمعلمان، پاسخگو بودن مدرسان در قبال نتایج دوره ها، فرصت تصمیمگیری مربیان در تعامل با محیط یادگیری، تاکید متوازن بر استفاده از روش های گوناگون تربیت اخلاقی و دینی، آموزش توان استدلال کردن نه تحمیل کردن نظرات به معلمان، ایجاد توان تحمل، گفتگو وسعه صدر در قبال نظرات و پیشنهادات، ایجاد روحیه تعهد و مسئولیت پذیری نسبت به آفریده های خداوند اعم از انسانها و طبیعت، زمینه ساز پرورش تخیل، تاکید بر نظرات معلمان و تفاوتهای فردی آنها، پرداختن به شکلی متعادل هم به تعلیم و هم به تزکیه، ایجاد روحیه وطن دوستی و استقلال طلبی در معلمان، توان روبه رو شدن با نیازها و چالش های واقعی کلاس درس و محیط آموزشی در حال و آینده، زمینه ساز رشد حرفه ای معلمان در پنج سطح دانش، گرایش، رفتار وصفات و هویت، رشد ظرفیتهای حرفه ای معلمان، بهره گیری از مهارتهای مرتبط با سواد اطلاعاتی و ارتباطی در جریان یادگیری محتوا، توجه به دیدگاه ها، تجارب فردی، ارزش ها و باورهای معلمان، توجه به رشد تفکر معنوی در معلمان، فراهم آوردن زمینه رشد تفکر انتقادی درمعلمان، به کارگیری روشهای فعال، خالق و منابع متعدد یادگیری، فراهم سازی استفاده از فضای مجازی، فراهم سازی کسب مهارتهای اخلاقی و عملی معلمان. با تعیین راهبردهای یاددهی یادگیری تصمیم گیری های برنامه ریزان به اجرا نزدیک می شود. هر چند نمی توان به طور دقیق و کامی برای تدریس مطلوب یک برنامه در سی تعیین تکلیف کرد، ولی این مرحله از تصمیم گیری هر قدر دقیق تر و اصولی تر انجام گیرد، اجرای برنامه ها به شرایط مطلوب نزدیک می شود. در

این مرحله معلمان نقش موثرتری باید ایفا کنند چون مجری روش های تدریس در کلاس هستند و بین تصمیم گیری برنامه ریزان و معلمان باید ارتباط معنا دار و ثمربخش ایجاد شود. به طور کلی برای اینکه معلمان، تشکیل دهنده منابع انسانی نظام آموزش و پرورش به این صلاحیت ها به عنوان مهمترین اعضای دست یابند، نیاز به سرمایه گذاری در خود دارند. البته سرمایه گذاری با احساس نیاز آغاز میشود و نیاز انگیزه لازم را برای حرکت به سمت سرمایه گذاری ایجاد میکند. یکی از روشها برای سرمایه گذاری و نهایتا رسیدن به رشد و تعالی در معلمان، شرکت در دوره های ضمن خدمت است.مسلما آنچه می تواند انگیزه شرکت معلمان در این دوره ها شود، این است که به نیازهای آنها در تدوین برنامه های درسی ضمن خدمت توجه شود. این در حالی است که نتایج این تحقیق نشان داد که برنامه های درسی ضمن خدمت در راستای تحقق بخشیدن به نیازهای معلمان برای مواجهه با تغییرات برنامه های درسی به صورت مطلوب برنامه ریزی نشده اند. این نتیجه با یافته پژوهش تحت عنوان ارزشیابی اثربخشی دوره های توانمندسازی معلمان. مقطع ابتدایی از طریق آموزش های ضمن خدمت کاملا همخوانی دارد. در نتایج این پژوهش آمده است که اکثر آموزشهای ضمن خدمت در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده کامال مؤثر و کارآمد نبوده و مهمترین دلیل این مسئله عدم همخوانی محتوای آموزشی دوره ها با نیازهای معلمان بوده است

منابع و مآخذ

۱. احمدی، احمد و همکاران، برنامه ریزی تحصیلی. تهران: ادارۀ کل چاپ و توزیع کتاب های درسی، ۱۳۹۱.

۲. اکبری، فریدون، آینده شغلی. تهران: ادارۀ کل چاپ و توزیع کتاب های درسی، ۱۳۹۱.

۳. ابراهیم یقوام، صغری و حسینیزاده غلامحسین، نظریه یادگیری محورو کاربرد آن در آموزش مجلۀ پژوهشی- آموزشی اطلاع رسانی، ۱۳۸۷.

۴. ادری و هاوارد نیکلس راهنمای عملی برنامه ریزی درسی، ترجمه داریوش دهقان، تهران: انتشارت قدیانی، ۱۳۷۲.

۵. بحرینی بروجنی، مجید؛ میر شاه جعفری، ابراهیم و لیاقتدار، محمد جواد، بررسی میزان رعایت أول علمی تدوین محتوا در درس تفکر و پژوهش پایه پنجم راهنمایی، مجله رویکردهای نوین آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان. سال نهم، شماره ۲، صص ۲۶۱، ۱۳۹۳.

۶. بولتون، رابرت، روانشناسی روابط انسانی (مهارت های مردمی)، ترجمه حمید رضا سهرابی، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۱.

۷. خدایار، ابراهیم و اعظم فتحی هویت ملی در کتاب های درسی آموزش و پرورش، مورد مطالعه: مقطع متوسطه » فصلنامه مطالعات ملی، س. ش ۳۵، صص ۲۷-۵۲. ۱۳۸۷

۸. دهقانی، مرضیه، تحلیل محتوای کتا بهای تعلیمات دوره راهنمایی بر اساس مهارتهای اجتماعی و بررسی دیدگاه های آموزگاران دوره راهنمایی، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز. ۱۳۸۳

۹. عابدی، احمد، لیاقت دار، محمد جواد اسماعیلی، مریم؛ قضاوی، منصوره، تحلیل محتوای کتاب های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدائی ایران به لحاظ توجه به معضلات زیست محیطی. مجله اندیشه های نوین تربیتی دوره ۶ شماره ۴، صص ۱۵۲-۱۳۸۹۰۱۲۳

۱۰. فتحی واجارگاه، کورش، اصول برنامه ریزی درسی، تهران: انتشارات ایران زمین۱۳۸۴

۱۱. فلتاش، عباس صالحی، مسلم؛ میرزایی، حسن. تحلیل محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره راهنمایی ایران از منظر توجه به ویژگی های شهروند جهانی، مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی، شماره ۳۵. صص ۱۳۱-۱۱۷، ۱۳۹۱

۱۲. مشایخ، فریده؛ فرایند برنامه ریزی آموزشی، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۵ .

۱۳. منصوری، علی و آزیتا فریدونی، «تبلور هویت ملی در کتب درسی محتوای کتاب فارسی دوره های راهنمایی»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۱۰، ش ۳۶، صص ۲۷-۴۶. ۱۳۸۸

۱۴. میرشاه جعفری، سید ابراهیم جعفری هرندی، رضاء نصر، احمد رضا. تحلیل محتوا روشی پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی، یادگیری ی و انسانی، با تأکید بر تحلیل محتوای کتابهای درسی مجله روش شناسی علوم انسانی شماره ۵۵، صص ۳۳-۵۸

۱۵. هاشمی، سید ضیاء و قربانعلی زاده، مژده، هویت ملی در کتب مطالعات اجتماعی دوره ی راهنمایی, مجله مطالعات ملیشماره، صص ۷۲-۴۹, ۱۳۹۳

۱۶. علی آبادی، خدیجه، مقدمات تکنولوژی آموزشی. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰.

۱۷. ملکی، حسن، نقد و ارزیابی مبانی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس شاخص های فطرت" فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۳۸۹ .

۱۸. موسی پور، نعمت الله، مبانی برنامه ریزی آموزش متوسطه. تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵

۱۹. موسی پور، نعمت الله، ارزشیابی استلزامات و اقتضائات اجرایی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۳۸۹ .

۲۰. مهر محمدی، محمود، نقدی و نظری بر نگاشت سوم سند "برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران". فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران. سال پنجم، ۱۳۸۹.